

قال نزلہ

فیض روح القدس او باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه میباید میکرد

مذکر کل

سلطان الطاهر خراسان

سید و شکر

میرزا علی اکبر خان قزوینی

مکتب فی امضا قبول

مخو اشد چه درج

شود یا شود صاحبش

حق استرداد ندارد

# الحق

در قیمت اشتراک سالانه

طهران ۱۲ قران

ولایات داخله ۱۷ قران

روسیه ۵ منات

سایر ممالک خارجه

۱۰ فرانک

قیمت اعلانات

سطری یکقران

رئیس مجاهدین سه دسته از خیمه سلکان محترم  
( زون ترك ) و دودسته از مجاهدین عبور به سادسته  
آخری متقسم دسته اولی در تحت ریاست اسمعیل  
افندی ( دسته دومی در تحت ریاست ( مسیحی  
افندی ( دسته سیمی بریاست ( یعقوب افندی )  
فرمانده تل جناب ( جلیل افندی ) . قسم گیت  
سه ساعت صبح مانده از سده آباد حرکت کرده پیاده  
از رود ( قطور ) عبور نموده خرد مان را  
بالای قره حاشیه رود رسانیدیم آفرین به بلدیجان  
پنجاه نفر پیاده را چنان بفریه رسانیدند که ده قدم مانده  
بود قراولان دشمن را زنده بکیریم یک دقیقه صدای  
کبستی از اردوی خصم بلند شده

مانیچاه نفر دفتا با گلوله های آتشین میداقتنی  
کردیم اول دفته چهار نفر از قراولان اتانند منقلی  
که در زیر درختانی بود بدست آورده دیگر بدشمن  
امان ندادیم خشه خرب از این قرار بود در تریه  
( حشیه رود ) کوه بزرگی است صده بنحافه  
سواره باغبندالحسین خان سلطان قراچه داغ . و محمد  
صادق خان سر حنك . امان الله خان سر حنك و امنا  
خان بیاتور برتزاخان سلطان . باسواران سلما  
شاهسون بریاست جناب الامیر آقا بهشتی انجا تعیین  
گشت و صدق سرار سلما با اسماعیل خان سرارب

مکتوب از اردوی حریت خواه سد آباد امروز  
که چهاردهم صفر است یک ساعت از دست گذشته خیر  
رسید دسته از سواران دشمن به طرف قریه قره  
( شبان ) هجوم آورده اند تا حکم یورش از جناب  
ابراهم یک رئیس مجاهدین و سواران برسند و نفر از  
مجاهدین عبور مشهدی ولی ( تیمور باغدره )  
بدشمن حمله نموده دلیرانه و مردانه جلو خصم را  
گرفته چند تیری در فیمابین میادله گردید استبداد  
یان را در مقابل این دوقر جوانان فداکار تاب نمانده  
رو بفرار نهادند نواب والا شاهزاده جهانگیر میرزا  
با چند نفر بامداد مجاهدین عزیمت نموده تار سیدن  
انها مجاهدین اولی یک فرسخ دشمن را تعاقب نمودند  
از توجه حضرت حجة عصر عجل الله فرجه دل  
مجاهدین چنان قوی شده که دوقر مقابل صدق  
اشرا را گرفته سب میسایب تنیاب دشمن عبور  
معلوم نیست

زنده باد طرفداران حریت و انسانیت کور باد استبداد  
پرستان ( قربان اراحدی بهر چند زاده ایرانی )  
( که ایضا مکتوب از اردوی ملی سد آباد )  
بن سید و خلعت حال استبداد یان ماسکو

خداوند از آمدن بخش ( ۱۶ صفر ) پنج ساعت  
از قریه چهارشنبه گذشته بنا به تصویب جناب ( ابراهیم یک



قلب خالص و شادانم و زیارت جناب (ابراهیم)  
 بیک (بیک) منتظر و ت بود که صدای تنگیهای  
 دل به گوشه خیریت طلبان گشود و سوزان کردید  
 از چهار جانب بنای شلیک گذاشتند . کوله‌ها مثل  
 باران از بالا پائین بر دشمنان می‌بارید  
 اردوی استبداد محاکم پرست که از وحشت  
 احرار شب‌ها بیدار و در طلسم صبح هر یکی در  
 گوشه خوابیده بودند از صدای تنگیهای آزادی  
 طلبان که الفاظ مقدسه حریت و عدالت و مساوات  
 عالم را گریخته بود و از جانی باوریدن نسیم صبح  
 صدای مرحبا و آفرین را می‌توان گفت از قبور پر نور  
 شهدای راه حریت حاجی میرزا ابراهیم آقا و ملک  
 المتکلمین و میرزا جهانگیرخان بگوش فداکاران  
 میرسانید و سبب قوت قلب مجاهدین میشد  
 البته از زمین محترم را با وجود این اقدامات غیورانه  
 ملی اوضاع استبدادیان بخوبی مشهود خواهد شد  
 که با آنکه دولت شریف خریکی بجایی گریزان و بهر  
 طرفی گریزان می‌آوردند هدف کارنامه‌های انتشار  
 میشدند از بالا و پائین اجساد بی‌روح بود علی‌الاصح  
 بروی زمین می‌افکند برنجی که با کمال بی‌شرعی  
 و ملامت امکان قرار داشت جز انس بی‌زین  
 و لجن‌نظر نمیدیدند که بانه نور چشم مجاهدین  
 فدائی ملت و سرآمد طریقه حریت و انسانیت جناب  
 اقامیرزا سعید سلماسی در سنگر واحد «اعداد حرب»  
 قیام داشتیم آن جوان شیور با رشادت و دلیری که  
 اولین تکبیر مدافعان وطن است خصم افکنی مینمود  
 گاهی با صدای رسا میگفت «باشا سون حریت»  
 و گاهی تفحص احوال هم‌ملکان خویش میکرد و می‌پرسید  
 که آیا کسی از ما در محافظت اساس حریت و لغض  
 و اذیت که سعادت اینی است نایل آمده است و  
 هنگامی بسنت دشمنان انسانیت خطاب میکرد ای

روح القدس  
 و از ملک متحلی نشود از شما است برادر خدایم  
 و یک کتی خنجر کتان را در دست می‌گرفت  
 میفرمود برادران عزیزم شما را در زمین با خون  
 بهای احرار همان برقراری حقوق ملت و پایداری  
 اساس مشروطیت است و از هر قطره خون ماهران  
 جوانان فداکار پاسبان روزگار خواهند گذاشت  
 و صفات تواریخ و اوراق جراید نام نیک ما را  
 در شمار مشاعر عالم ثبت و رقم خواهند کرد و اعقاب  
 و آیندگان به لب و لسان و قلم و کلام از این بزرگان  
 وین خواهند انداخت از سست مجاهدین صدای زنده  
 باد ملت زنده باد (شمار) بخان سردار ملی فضای  
 کیتی را پر نموده بود از جانب دیگر جناب (خلیل)  
 افتدی در اطراف سنگرها مجاهدین را مخاطب  
 مینموده از فداکاری لار قورق‌هایون و روو باشا سون  
 مشروطه در اینجا توان از حقیقت امر گذشت  
 برادران و هم‌ملکان (زبون ترک) ما چنان رشادت  
 و دلیری بخرج دادند که قلم از تحریرش عاجز  
 و زبان از سریرش قاصر است خدای مومنان است  
 جنابان (الوریك) و (تیا زیك) در تماشای این  
 جنبش غیورانه احرار حاضر می‌بودند و می‌فرمودند  
 که حقیقتا از طره خون جناب (باشا سون) و  
 هزاران جوانان رشید پاندا بیره انسانیت گذاشته و  
 در فتح ریشه استبداد یکجفت تبعه اند  
 یکدیگر از اردوی خصم ناله و فغان بلند کرد  
 معلوم شد از بزرگان استبدادیان مقتول شده و از قریب  
 معلوم شد (تتیر علی سلطان) نامی بود ملوک و دیکتان  
 صاحب رزم و شجاعت از سران آنها در روز ۱۳۰۲  
 شد سراره و پادشاه و هم در محله استبداد و دیکتان  
 می‌کردند در کنار پرده و قیطان را از دست خود  
 کشته و روغن‌های انارده بود که از بخوبیانه خورون  
 آنها رنگ آب تغییر داشت چنانکه دشمنان فرار